

دستور زبان کردی سنڌی

دکتر محمد تقی ابراہیم پور

قیمت ۶۰ ریال

دستور زبان کردی سنڊھي

اسڪر شد

ڊڪٽر محمد تقی ابراهيم پور

دستور زبان نوشتن مشکل است ، آن چنان ، که زبان فارسی هنوز دارای دستور کامل و جامعی که مورد پسند همه باشد نیست .

ومن ، هیچ ادعائی ندارم ، آن چنانکه از همه آنهائی که ادعائی دارند یا ندارند و تالیفاتی دارند بدینوسیله دعوت میکنم که گردهم آیند و در این آغاز کار دستوری برای زبان کردی بنویسند که به معنای واقعی مورد استفاده باشم . میدانم دستورهای زیادی برای زبان کردی نوشته شده است ، اما گویشهای مختلف این زبان چنان از هم دور شده اند که اگر گردهم آیند لغتی و روشی عظیم فراهم میشود ، پس به این گردهمائی کمک کنیم .

این اولین دستور زبان کردی سنندجی است بسیار مختصر ، برای امروز که اختصارگوئی ضروریست . به امید نوشتن دستوری جامع با همکاری همگان .

دکتر ابراهیم پور

دستور زبان کردی سنندجی

الفبا

حروف هجای زبان کردی سنندجی ۲۷ حرف اند به ترتیب زیر .

ء - ا - ب - پ - ت - ج - چ - ح - خ - د - ر - ز - ژ - س - ش - ع - غ -
ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی .

— برای اجرای درست و صحیح حروف و لغات ، مثالها و نمونه های ذکر شده در کتاب ، با الفبای لاتین نیز نوشته شده تا از این طریق مشکلی در خواندن و نوشتن آنها پدید نیاید .

برابری الفبای زبان سنندجی با حروف هجای لاتین بدین قرار است .

ä, a - b - p - t - j - č - ħ - x - d - r - z - ž - s -
š - , - 8 - f - q - k - g - l - m - n - w - h - i , y
— در زبان کردی سنندجی " همزهء اول " بصورت الف نوشته میشود .

" همزهء وسط " به " ی " مبدل میشود مانند (میس meynos) یعنی
مأیوس و در صورت اجبار آنرا بصورت " الف " ادا میکنند . مانند (مامور
māmur) یعنی مأور .

" همزهء آخر " که بیشتر درواژه هایی که از عربی گرفته شده اند وجود دارد
یا از تلفظ آن خود داری میشود یا آنرا بدل به " ی " میسازند یا به همان صورت
اصلی ادا میکنند . مانند همزه در اصطلاح " سوء استفاده " که " سوء استفاده "
و " سوی استفاده " و " سواستفاده " گفته میشود .

— وا که " ح " با تلفظ عربی آن از بیخ گلو ادا میشود . گرچه تمایل شدیدی بین جوانان
وجود دارد که آنرا مانند تلفظ فارسی اجرا کنند .

- هیچگونه اختلافی در ادای واکه های " ز ، ط ، ض " وجود ندارد سایر این کاربرد حروف " ط ، ض " زائد میباشد . همچنین است اختلاف در " س ، ث ، ص " و کاربرد " ث ، ص " زائد است .
- واکه " ق " بصورت انفجار اجرا میشود .
- " ل " بدو صورت " ل " مانند آنچه در واژه " دل " در زبان فارسی وجود دارد و " ل " مانند " ض " عربی کهن .
- بقیه علائم عبارتند از .

الف - $\bar{a}$ =

ب - a = فتحه

- پ - کسره = e . کسره در نوشته فارسی این کتاب دارای علامتی نیست بنابراین هر جا دو واکه بدون صدا ، بدون علامت به همدیگر متصل شوند با مکسور کردن واکه اولی خوانده میشوند .

- ت - کسره کشیده = $e\dot{}$. در نوشته فارسی ، این کسره با گذاشتن علامت کسره در زیر واکه مشخص میشود و در انتهای واژه با (ه) . مانند ($\text{Se:r}^{\vee}$) یعنی شیرو ($\text{ba|e}^{\vee}$) یعنی بلی و آری .

- ج - علامت پیش یا ضمه در کردی سندی بدو صورت وجود دارد :
- پیش که با علامت (° 0) نمایش داده میشود مانند ضمه (غ) در واژه " غلام " .

ضم یا پیش کشیده که در الفبای لاتین با ($\ddot{o}$) نمایش داده میشود . مانند

(رُله Ro: |a) در نوشته کردی و فارسی علامت ضمه در هر دو حال با (__) نشان داده شده است.

چ - او = u مانند اوسوم شخص مفرد در زبان فارسی . مانند (مُحمو mahmu) یعنی محمود .

ح - برای احتراز از اشتباه بین (ey) و (ay) هر جا (ای) با صدای ندا مانند زبان فارسی آمده است آنرا (ای ay) نوشته ایم و هر جا در وسط کلمه صدای (ای) وبدون تلفظ همزه وجود داشته آنرا (ای ey) نوشته ایم . مثال :

(ای برا ay brā) . یعنی ای برادر .

(بی bey) یعنی به (میوه) .

خ - (اُو ow) اگر در وسط کلمه آمده و صدای همزه در ابتدای (o) شنیده نشود به صورت فوق نوشته میشود . مانند : (أُحمو ahmow) و اگر صدای همزه آغاز (o) شنیده شود (اُو aw) نوشته شده . مانند : (اُو aw) یعنی او در اشاره به دور .

د - (ر r) نیز به دو صورت مقطع و غلطان اجرا میشود . مقطع را با (ر r) و غلطان را با (رر rr) نمایش داده ایم . (ر r) در آغاز واژه ها همیشه غلطان است بنابراین نیازی به دوبار نوشته آن دیده نشده است .

برابری الفبای زبان سنندجی با حروف هجای لاتین

a	ا
b	ب
p	پ
t	ت

j	ج
č	چ
h	ح
x	خ
d	د
r	ر
z	ز
y	ژ
s	س
š	ش
,	ع
8	غ
f	ف
q	ق
k	ک
g	گ
l	ل
m	م
n	ن
w	و

h

ه - ه

i, y

ی

اسم

تعریف : اسم کلمه‌ایست که با آن شخص یا چیزی نامیده میشود .

انواع اسم عبارتند :

اسم عام - نامی است برای تمام اشیاء یا اشخاص همجنس مانند : (شمشر

semse:r (یعنی شمشیرو (اُسپ asp (یعنی اسب .

اسم خاص - نامی است برای یک چیز یا شخص معین مانند : (حَسَن hasan

نام شخص و (سَقَز saqez (نام شهر .

اسم ذات - مدلول آن در خارج وجود دارد وقائم بذات است مانند : (کتو

kete:w (یعنی کتاب و (شِر se:r (یعنی شیر .

اسم معنی - نامی است برای چیزی که وجودش در دیگر نیست وبدان قائم است

مانند : (هُش hös (یعنی هوش و (زانست zānest (یعنی

دانش .

اسم جمع - اسمی است در ظاهر مفرد ودر باطن جمع مانند : (هُز höz (یعنی

طایفه و (لَشکَر laškar (. یعنی لشکر .

اسم بسیط - اسمی است که بیش از یک جزء نداشته باشد مانند : (جل jel

یعنی لباس .

اسم مرکب - اسمی است که بیش از یک جزء داشته باشد مانند : (قتاو خان

getäwxän (یعنی مکتب خانه که از دو جزء " قتاو " و " خان "

تشکیل یافته است .

اسم مصغر - اسمی است که بر کوچکی چه در جهت رحمت و ناز و نوازش و چه در جهت تحقیر بکار رود و علامت آن غیر از (ک k) که از فارسی گرفته شده است (چَه ča) و (لَه la) و (لَه la) میباشد .

مثال .	مردک	mardak	یعنی مردک
	بازارچه	bāzārča	یعنی بازارچه
	بوچکله	bučkala	یعنی کوچولو
	براله	brāla	یعنی برادر کوچولو

در زبان کردی سندی از واژهء (ه ماقبل مفتوح h) نیز در ضمائر اشاره (این in) و (آن ān) جهت تصغیر استفاده میشود و چون این علامت تنها در این دو مورد به کار میرود لذا از آن بنام یک علامت اصلی تصغیر نام برده نمیشود .

اُم	am	اُمه	ama	یعنی این
اَو	aw	اَوه	awa	یعنی آن

اسم زمان - اسم زمان آنست که بروقت وقوع کاری دلالت کند یا وقت و زمان را نشان دهد مانند : (شوگا šowgā) یعنی شب هنگام .

اسم مکان - اسم مکان آنست که بر محل وقوع کاری دلالت کند مانند : (گزرگا qozargā) یعنی گذرگاه .

معرفه و نکره .

معرفه اسمی است که نزد مخاطب معلوم و آشنا باشد . علامت معرفه در کردی

سندی (که ka) است که به آخر اسم افزوده میشود . واژه هائی که به یک

حرف صدادار حتم میشوند فقط علامت (ka گه) دریافت کرده و در صورتیکه به یک واکه بی صدا ختم شوند قبل از علامت (ka گه) واکه بی صدامفتوح میگردد مثال: (kete:w کتو) یعنی کتاب که معرفه آن میشود (کتوکه kete:waka) و معرفه (šamama) یعنی دستانبو میشود (šamamaka) .

نکره اسمی است که نزد مخاطب ناشناس باشد مانند (piyāge: پیاگه) یعنی یک مرد.

علامت نکره یا (e: ه ماقبل مکسور است) مانند (piyage: پیاگه) یعنی مردی یا (yak یک) مانند: (yak se:f یک سیف) یعنی یک سیب .

حالات اسم

- ۱- حالت فاعلی . در این حالت اسم کننده کار است مثال :

(ḥasan rwi حُسن روی) یعنی حسن رفت که حسن فاعل است

- ۲- حالت مفعولی . در این حالت فعل بر اسم جاری میگردد . مثال :

(ḥasan dāy la , ali حُسن دای گه علی) یعنی حسن علی رازد . در این حالت علی مفعول است .

- ۳- حالت اضافی . در این حالت اسمی بدنبال اسم دیگر و تکمیل کننده آنست مانند (krās bārām کراس یارام) یعنی پیراهن بهرام . در حالت اضافی ، دو اسم یا مضاف و مضاف الیه بدون تغییر همدیگر را تکمیل مینمایند .

۴- حالت ندا . علامت آن چهار است .

الف- (ای ay) مانند: (ای بشر ay bašar) یعنی ای بشر .

ب- (یا ya) مانند: (خدایا xodäyā) یعنی خدایا .

پ- (ه ماقبل مفتوح h) مانند: (کرکه korraka) یعنی

پسره .

ت- وگاهی هیچ علامتی وجود ندارد مانند: (گرم دس هل گره korrem

das ha|gra) یعنی پسر دم دست بردار . در این حالت بدون کار برد

هیچ علامتی (گر korr) یعنی پسر خوانده شده است . بنابراین ندا

حالتی است که به اسم برای خواندن کسی داده میشود .

مفرد و جمع

مفرد- مفرد کلمه ایست که بر فرد دلالت کند مانند: (اسپ asp) یعنی اسپ

و (مز me:z) یعنی میز .

جمع- جمع کلمه ایست که بر دو یا بیشتر دلالت کند . علامت جمع در گویش

سنندجی :

- یا (ان ān) است مانند (کساران Ko:sārān) یعنی کوهساران .

- یا (گل gal) مانند (زن گل žengal) یعنی زنهار و (پیای گل

piyāg gal) یعنی مردان .

- یا (کان kǎn) مانند: (گچکان kočkakǎn) یعنی سنگها .

علامت (ان ān) در کردی سنندجی به ندرت ' بکار برده میشود .

علامت (گل gal) برای انسان به تنهایی و برای سایر موجودات در

جمله به کار برده میشود. مثلا میگویند (ژن گُل zēgal) یعنی زن‌ها.
 در این حالت (ژن zen) بدون قرار گرفتن در جمله با (گُل gal) جمع بسته شده است. اما نمیگویند (دار گُل dārgal) یعنی درختها بلکه (دار dār) را یا با (کان kân) جمع می‌بندند یا (گُل gal) را دنبال (دار dār) در جمله قرار میدهند. (باخه که دار گُل پیری بو bāxaka dārgal piri bu) یعنی باغی که درختهای پیر داشت.

(کان kân) از علامت معرفه (که ka) و (ان ān) ترکیب یافته است یعنی در حقیقت ابتدا اسم را معرفه کرده سپس آنرا جمع می‌بندند. مانند (براکان brākān) یعنی برادران. البته همانطور که واژه‌های مختوم به واکه بی صدا در حال معرفه شدن دارای علامت فتحه روی واکه بی صدا میشدند در اینجا نیز همین قاعده مجری خواهد بود. مانند (دار dār) یعنی درخت که جمع آن میشود (دارکان dārakān).

صفت

- صفت کلمه‌ایست که حالت و چگونگی اسمی را بیان کند مانند. (چاخ cāx) یعنی چاق و (زرد zard) یعنی زرد. صفت چندگونه است:
- ۱- صفت مطلق - صفت در صورتیکه فقط حالت اسم را بیان کند صفت مطلق خوانده میشود مانند: (درژ dre:ž) یعنی دراز.
 - ۲- صفت فاعلی - در صورتیکه صفت برکننده کاری به طور مستمر و عادت دلالت کند صفت فاعلی است و علائم آن به قرار زیر است:

کتابخانه امام مهدی (عج)
شماره ثبت ۷۰۸۹۰
تاریخ ۶۰/۴/۶۰

- ۱۰ -

- الف - (نَه na) مانند (بُرَنَه bārana) یعنی برنده.
- ب - (ا ā) مانند (ژَنَوَا zēnawā) یعنی شنوا .
- پ - (گار gār) مانند (پُروردگار parwardegār) یعنی پروردگار .
- ت - (ار ār) مانند (خُریدار xaridār) یعنی خریدار .
- ج - (دار dār) مانند (تَرَفدار tarafdār) یعنی طرفدار .
- ۳ - صفت مفعولی - بر کسی یا چیزی که فعل بر آن واقع شده است دلالت دارد و نشانه آن (یَاگ yāg) است مانند (کُزیاگ kozyāg) یعنی کشته و (بَرزیاگ berzyāg) یعنی بو داده و برشته .
- ۴ - صفت نسبی - صفتی است که کسی یا چیزی را به جایی نسبت دهد و نشانه های آن عبارتند از :
- الف - (ی ī) که در آخر اسم می آید مانند (شیرازی širazi) و (سَقزی saqzi) .
- ب - (ه ماقبل مفتوح h) مانند : (چَلَه čela) و (هَزارَه hazara) (چهل و هزاره) بهاره bahara) یعنی بهاره .
- ۵ - صفت مشبیه - صفتی است فاعلی که بر وصف ثابت ، کننده کاری دلالت کند مانند (زانا zānā) یعنی دانا و (توانا tawānā) یعنی توانا .
- ۶ - صفت تفصیلی . در کردی سندی علامت صفت تفصیلی فقط (تر ter) است که اگر به آخر اسم افزوده شود برتری یا فزونی آنرا بر دیگری "نه دیگران" نشان میدهد . مانند (گُورَه تر gowrater) یعنی بزرگتر و (بوچکتر

bučekter (یعنی کوچکتر . در صورتیکه بخواهند یکی را بر همه ممتاز و برتر کنند با اضافه کردن یک اسم جمع که معمولا (گشت gešt) یعنی همماست صفت تفضیلی عالی درست میکنند . مانند (لَه گشت گُورَه تر la gešt gowrater) یعنی از همه بزرگتر و (لَه جَمع بوچکتر la Jam , bučekter) یعنی از جمع کوچکتر یا کوچکترین .
اخیراً پسوند (ترین terin) نیز به کار برده میشود که نتیجه نفوذ زبان فارسی است و در اصل وجود نداشته است .

مصدر

مصدر کلمه ایست که بر انجام کار بدون در نظر گرفتن زمان دلالت کند .
علامت مصدر - علامتهای مصدر در کردی سنندجی بشرح زیر میباشد:

الف - (ن ماقبل مکسور en) مانند (فَرْتَن froten) یعنی فروختن .
(کُشتَن kōšten) یعنی کشتن . (بردن berden) یعنی بردن .

ب - (ین in) مانند . (کُنین kanin) یعنی خندیدن . (رُقصین raqsin) یعنی رقصیدن .

پ - (یان yān) مانند . (گریان garryān) یعنی گردیدن و گردش کردن و جستجو کردن .

ت - (ان ān) مانند (کُشان ke : sān) یعنی کشیدن . اینگونه مصدرها در اصل با (ن ماقبل مکسور en) پایان میگیرند و در صرف نیز مانند افعال

مختوم به (ن ماقبل مکسور en) صرف میشوند . در حقیقت (رکشان
 ke: sān (در اصل (کشان Ke: sānen) است و برای خلاصه کردن
 از (ن ماقبل مکسور en) صرف نظر شده است . بنابراین میتوان گفت که
 اینگونه مصدرها جعلی هستند .

ج - (ن n) در فعلی مانند (چون čun) یعنی رفتن و (بون bun)
 یعنی بودن و شدن و داشتن . تعداد اینگونه مصدرها محدود میباشد .
 مصدرهای سماعی مانند . (کفر kefer) یعنی کفر و (خروج xoruj)
 یعنی خروج و قیاسی مانند : (انحراف enheräf) یعنی انحراف و غیره
 از عربی گرفته شده و وسیله مردم متظاهر به سواد به کار برده میشوند .
 گونه های مصدر .

۱ - مصدر ساده مانند . (چون čun) یعنی رفتن . (کنین kanin) یعنی
 خندیدن .

۲ - مصدر مرکب - اینگونه مصدرها در زبان کردی سنندجی بدو صورت بکار برده
 میشوند .

الف - مصدر مرکبی که در همه احوال باید مرکب بوده و از آن همیشه یک معنی
 مستفاد شود مانند (قسه کردن qesa kerdn) یعنی صحبت
 کردن .

ب - مصدر مرکبی که با اضافه کردن جزء دوم تغییر معنی میدهد مانند : (کرد
 نوه kerdnawa) یعنی باز کردن که از مصدر (کردن Kerdn)
 یعنی کردن و (وه wa) تشکیل یافته است . و (گریانوه garryānawa)

یعنی مراجعت کردن که از مصدر (گریان garryän) یعنی گشتن و (وَه wa) ترکیب یافته است .

(وَه wa) به تنهایی میتواند علامت مصدر باشد اما چون در صرف افعال خود به تنهایی بدون تغییر مانده و صرف فعل تابع علامت اصلی مصدر میشود لذا بنام یک جزء ترکیبی که فقط معنی فعل را تغییر میدهد از آن نام برده شد .

۳ - مصدر معین - (گرگ بون garak bun) یعنی خواستن مصدر مرکبی است از (بون bun) یعنی بودن و (گرگ garak) که به تنهایی معنی نمیدهد . اما این مصدر معین در بعضی زمانهای صرف فعل شرکت نمی کند مانند (گرگمه garakma) یعنی میخواهم و در پاره‌های زمان ها با جبار حضور دارد مانند . (گرگم بو garakem bu) یعنی میخواستم .

اسم مصدر

کلماتی که علامت مصدری ندارند ولی معنای مصدر را میرسانند اسم مصدر خوانده میشوند که گونه‌های آن به شرح زیر است :

الف - اسم مصدر پایان یافته به (س s) مانند : (زانس zānes) یعنی دانش .

ب - اسم مصدر پایان یافته به (ش š) مانند : (کش köšeš) یعنی کوشش .

پ - اسم مصدر پایان یافته به (ه a) مانند : (نالَه nä|a) یعنی ناله .

ت - اسم مصدر پایان یافته به (ی i) مانند : (دسی dösi) یعنی

دوستی .

ج - اسم مصدر پایان یافته به (ار ä r) مانند: (کردار kerdär) یعنی کردار .

ج - اسم مصدرهایی که به (مان män) یا (ان än) ختم میشوند مانند: (ساختمان saxtemän) یعنی ساختمان و (چراخان čeraxän) یعنی چراغان .

ج - اسم مصدرهایی که به (یتی yati) ختم میشوند مانند: (برایتی bräyati) یعنی برادری .

فعل

فعل کلمه ایست که بر وقوع کاری در زمان معینی دلالت کند . زمان انجام فعل در زبان کردی یا گذشته است یا حال یا آینده و چون در زبان کردی سنجی مذکرو مؤنث و تشبیه وجود ندارد بنابراین صرف فعل در شش صیغه اول شخص مفرد (متکلم) ، دوم شخص مفرد (مخاطب) ، سوم شخص مفرد (غائب) و همچنین اول شخص و دوم شخص و سوم شخص جمع محدود میگردد .

فعل لازم - فعل لازم آنست که به مفعول احتیاج نداشته باشد مانند: (هاتن häten) یعنی آمدن و (گفتن katen) یعنی افتادن .

فعل متعدی - فعلی است که به مفعول نیازمند میباشد مانند (لدان le:dän) یعنی زدن و (گشتن košten) یعنی کشتن .

مثبت و منفی - اگر فعل بر وقوع کاری به طریق اثبات دلالت کند مثبت است مانند: (خواردم xwärdem) یعنی خوردم و (شُردی sördi) یعنی

شت . و اگر فعل به وقوع کاری به طریق نفی دلالت کند منفی است مانند :

(ناخوم näxwam) یعنی نمیخورم و (ناخفه : näkafe)

یعنی نمیخواهد .

فعل امر - دستور به انجام دادن یا نکردن کاریست مانند : (بخفه bexafa)

یعنی بخواب و (مخفه maxafa) یعنی نخواب .

توجه :

موضوع بسیار قابل توجه در صرف افعال کردی موضوع کار برد و در جای صحیح قرار دادن ضمیر است . شاید ذکر این نکته در ابتدا چندان مهم نبوده حتی مایهء تعجب میگردد اما با ذکر مثال و تشریح اضافی و مجدد موضوع روشن خواهد شد . در زبان فارسی وقتی شخصی میگوید " من گرفتم " یا " گرفتم " یا " آنرا گرفتم " یا " علی را گرفتم " عملی در زمان گذشته انجام میشود بدون اینکه در شکل و ظاهر فعل تغییری حاصل آمده باشد زیرا گرفتم درهمه احوال شکل خود را حفظ کرده است . در زبانهای فرانسه و انگلیسی نیز چنین است اما در زبان کردی موضوع فرق میکند و شکل فعل با پسوند متغیر آن تغییر می یابد . مثلاً " اگر شخصی بگوید (من گرتم men gertem) یعنی من گرفتم یا (گرتم gertem) یعنی گرفتم دقیقاً " گرفتن چیز معینی را در زمان گذشته بیان کرده است حال اگر از آن چیز نام برده شده باشد شکل و ظاهر فعل فرق خواهد کرد مثلاً اگر بگوید علی را گرفتم میگوید (علیم گرت alim gert ,) در اینجا اولاً ضمیر فاعلی بدنبال مفعول آمده ثانیاً فعل دارای شکل حقیقی خود که اتفاقاً به تنهایی و مجرد بکار نمیرود شده است . این موضوع در محلهای مناسب دیگر ذکر خواهد شد .

ماضی مطلق :

ماضی مطلق دلالت دارد بر انجام کاری در زمان گذشته .

در تقسیم بندی افعال برای صرف در زمان ماضی مطلق دو عامل موثر است :

الف - علامت مصدری :

ب - لازم یا متعدی بودن فعل :

۱ - افعالی که به (ن ماقبل مکسور en) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول نیازمند

باشند به ترتیب در اول شخص مفرد پسوند (m م) ، دوم شخص مفرد

(ت +) سوم شخص مفرد (ی i) .

اول شخص جمع (مان mən) ، دوم شخص جمع (تان tən) و سوم شخص

جمع (یان yən) میگیرند . مانند (گرتن gerten) یعنی گرفتن .

من گرتم men gertem یعنی : من گرفتم

تو گرتت tō gertet تو گرفتی

او گرتی aw gerti او گرفت

ما گرتیم e:ma gertmən ما گرفتیم

شما گرتتان e:wa gerttən شما گرفتید

آنها گرتیان awən gertyən آنها گرفتند

فعل لازم که به مفعول نیازمند نمیباشد مانند (کفتن kaften) یعنی

افتادن و زمین خوردن و (نیشن nīsten) یعنی مسکون شدن و نشستن در

زمان ماضی مطلق در اول شخص مفرد (m م) ، دوم شخص (یت it) ، سوم

شخص مفرد پسوند نمیگیرد . اول شخص جمع (ین in) دوم شخص و سوم شخص

جمع (ن n) . مثال : (گفتن kaften) یعنی افتادن وزمین خوردن .

من	گفتم	men kaftem	یعنی	من افتادم
تو	گفتی - ت	tō kaftit		تو افتادی
او	گفت	aw kaft		او افتاد
ما	گفتیم	e:ma kaftin		ما افتادیم
شما	گفتن	e:wa kaften		شما افتادید
آنها	گفتن	awän kaften		آنها افتادند

شکل ظاهری دوم و سوم شخص جمع در اینگونه افعال شبیه مصدر میباشند اما با تکیه روی واکه (ت +) در تلفظ و اجرا تمایز گذاشته میشود .

۲ - افعالی که در حالت مصدری به (ین n) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول

نیازمند نباشند در شخص اول مفرد (م m) و دوم شخص مفرد (ت +) و

به شخص سوم حرفی اضافه نمیشود و سه شخص جمع به شکل مصدری باقی

میمانند . یا باید گفت که بهریشه لایتغیر فعل (ن n) اضافه میشود . مانند

فعل (کنین kanin) یعنی خندیدن ، (وَرین warrin) یعنی

عوو کردن و (گنین ganin) یعنی گندیدن .

من	کنیم	men kanim		من خندیدم
تو	کنیت	tō kanit		تو خندیدی
او	کنی	aw kanin		او خندید
ما	کنیم	e:ma kanin		ما خندیدیم
شما	کنین	e:wa kanin		شما خندیدید
آنها	کنین	awän kanin		آنها خندیدند

با اضافه کردن (na') به اول فعل حالت منفی بدست می آید .

من نخندیدم	men	nakanim	من نَکَنیم
شما نخندیدید	e:wa	nakanin	راوَه نَکَنین

و در صورتیکه به مفعول نیازمند باشد در سه شخص مفرد مانند فعل لازم و در سه

شخص جمع به ترتیب (مان mān) ، (تان tān) و (یان yān) میگیرد

مانند: (nusiñ) یعنی نوشتن .

من نوشتم	men	nusim	من نوسیم
تو نوشتی	tö	nusit	تو نوسیت
او نوشت	aw	nusi	او نوسی
ما نوشتیم	e:ma	nusimän	راوَه نوسیمان
شما نوشتید	e:wa	nusitän	راوَه نوسیتان
آنها نوشتند	awän	nusiyän	اوان نوسیان

حالت منفی اینگونه افعال بصورت زیر است :

من ننوشتم	men	namnusi	من نمَنوسی
تو ننوشتی	tö	natnusi	تو نتَنوسی یا نُونوسی
او ننوشت	aw	neynusi	او نیَنوسی
ما ننوشتیم	e:ma	namännusi	راوَه نمان نوسی
شما ننوشتید	e:wa	natännusi	راوَه نتان نوسی
آنها ننوشتند	awän	neyännusi	اوان نیان نوسی

۳- افعالی که به (an) ختم میشوند چون همیشه در حالت متعدی هستند

بنابراین در زمان گذشته ساده فقط به یک صورت صرف میشوند و پسوندهائی به شرح زیر میگیرند: اول شخص مفرد (m م) ، دوم شخص مفرد (ت +) ، سوم شخص مفرد (ی تخفیف یافته y) . اول شخص جمع (مان mān) دوم شخص جمع (تان tān) و سوم شخص جمع (یان yān) . مانند: (کشان ke:šān) بمعنای کشیدن .

من	کشام	ke:šām	men	من کشیدم
تو	رکشات	ke:šāt	+ō	تو کشیدی
او	رکشای	ke:šāy	aw	او کشید
ما	رکشان	ke:šāmān	e:ma	ما کشیدیم
ما	رکشاتان	ke:šātān	e:wa	شما کشیدید
آنها	رکشایان	ke:šāyān	awān	آنها کشیدند

حالت منفی فعل دقیقاً "مانند" (نوسین nusin) یعنی نوشتن است .

۴ - افعالی که به (یان yān) ختم میشوند مانند (گریان garryān) یعنی

گردیدن و جستجو کردن و گردش کردن و (سوتیان sutyān) یعنی

سوختن و غیره به شرح زیر پسوند گرفته و صرف میشوند: اول شخص مفرد پسوند

(m م) ، دوم شخص مفرد پسوند (یت it +) ، سوم شخص مفرد پسوند

نمیگیرد . اول شخص جمع (ین in) ، دوم و سوم شخص جمع (ن n) .

مانند (گریان garryān)

من	گریام	garryām	men	من گردیدم
تو	گریایت	garryāyt	+ō	تو گردیدی

او گردید	aw	garryä	او گریا
ما گردیدیم	e:ma	garryäyn	را مه گریا ین
شما گردیدید	e:wa	garryän	را وه گریا ن
آنها گردیدند	awän	garryän	اوان گریا ن

منفی - با اضافه کردن یک (نَ na) به اول فعل (بعد از ضمیر) ، فعل به حالت منفی درمی آید . مانند . (من نگریام men nagarryäm) یعنی من نگردیدم و (اوان نگریان awan nagarryän) یعنی آنها نگردیدند .

۵- افعالی که در حالت مصدری به (ن n) ختم میشوند . چنانکه گفته شد تعداد این افعال زیاد نبوده و انگشت شمار است . مانند . (چون čun) یعنی رفتن و (بون bun) یعنی بودن و شدن و داشتن . این افعال در شخص اول و دوم و سوم و پنجم و ششم مانند فعلهای مختوم به (ین in) پسوند قبول مینمایند و فقط در اول شخص جمع به جای (ن n) (ین in) دریافت میکنند .

یعنی رفتن		(čun	چون)
من رفتم	men	čum	من چوم
تو رفتی	tö	čuit	تو چویت
او رفت	aw	ču	او چو
ما رفتیم	e:ma	čuin	را مه چوین
شما رفتید	a:wa	čun	را وه چو ن
آنها رفتند	awän	čun	اوان چو ن

منفی - با اضافه کردن (نا na) به ابتدای حالت فعل حالت منفی ساخته میشود
مانند (تونچویت načuit + tö) یعنی تونرفتی .

ماضی نقلی :

ماضی نقلی دلالت دارد بر انجام کاری در زمان گذشته که اثر آن هنوز باقی باشد یا
انجام آن کار هنوز ادامه داشته باشد .

در صرف افعال در زمان ماضی نقلی علائم مصدری نقشی ندارند و فقط لازم یا
متعدی بودن فعل پسوندها را در صرف افعال تعیین مینماید .

الف - در صورتیکه فعل به مفعول نیازمند نباشد به ترتیب (گم gem) و (گی
gi) و (گا gā) و (گین gin) و (گن gen) و (گن gen) در
شش شخصیت فعل میگیرند ..

مثال : (خفتن)	xaften	(یعنی خفتن .
من خفتم	men xaftegem	من خوابیده ام
تو خفتگی	tö xaftegi	تو خوابیده ای
او خفته	aw xaftega	او خوابیده است
ما خفتگین	e:ma xaftegin	ما خوابیده ایم
شما خفتگن	e:wa xaftegen	شما خوابیده اید
آوان خفتگن	awän xaftegen	ایشان خوابیده اند

منفی - با اضافه کردن (نا مفتوح na) باول فعل منفی میشود . مانند (اوه خفتگن
(e:wa na xaftegen) یعنی شما نخوابیده اید .

ب - اگر فعل به مفعول نیازمند باشد در شخص اول و دوم و سوم مفرد (گمه gma) و

(گته g+ta) و (گیه gya) و در شخص اول و دوم و سوم جمع (گمانه gmana)

و (گتانه g+ta) و (گیانه gyana) افزوده میشود.

مانند (دزین dezin) یعنی دزدیدن.

من دزیکمه	dezigma	men	من دزدیده ام
تو دزیکته	dezigta	+ö	تو دزدیدی
او دزیکیه	dezigya	aw	او دزدیده است
ما دزیکمانه	dezigmäna	e:ma	ما دزدیده ایم
راوه دزیکتانه	dezigtäna	e:wa	شما دزدیده اید
آوان دزیکیانیه	dezigyänä	awän	آنها دزدیده اند

منفی - حالت منفی مانند سایر افعال متعدی چنین است.

من نمدزیکه	namdeziga	men	من ندزدیده ام
تو نمدزیکه	natdeziga	+ö	تو ندزدیدی
او نمدزیکه	neydeziga	aw	او ندزدیده است
ما نمدزیکه	namäandeziga	e:ma	ما ندزدیده ایم
راوه نمدزیکه	natäandeziga	e:wa	شما ندزدیده اید
آوان نمدزیکه	neyäandeziga	awän	آنها ندزدیده اند

کردزبانان سنجی توجه دارند که (من دزیکمه men dezigma) یعنی

من آن چیز مشخص و معین را دزدیده ام و این غیر از "من دزدیده ام" در زبان

فارسی است. یعنی درحقیقت (م m) که بین (گ، ا g, a) قرار دارد جای

نام چیز دزدیده شده را گرفته است و چون غیر از این حال ممکن نیست یعنی هرگز

گفته نمیشود (من دزیکه men deziga) لذابه صورت ذکرشده اجرا و نوشته میشود. مثال: (من او پرتقالمه دزیکه men aw pertaqä|ma deziga) یعنی من آن پرتقال را دزدیده‌ام. در اینجا چون شیئی مورد دزدی وجود دارد فعل به صورت درست و اصلی ادا میشود اما اگر پرتقال یا چیز دزدیده شده موجود نباشد بهمان صورت اولی ادا میگردد.

ماضی استمراری:

ماضی استمراری دلالت دارد بر انجام کاری در زمان گذشته بر سبیل عادت و استمرار.

۱- فعلهای متعدی با هرگونه نشانه مصدری با اضافه کردن پیشوندهای (am) (ای) به شخص اول مفرد و (at) (آت) به دومین شخص و (ay) (ای) به سومین شخص و (amän) (آمان) به شخص اول جمع و (atän) (آتآن) به شخص دوم و (ayan) (آیان) به شخص سوم جمع درست میشوند. مانند: (sanden) (سندن)

یعنی خریدن.

من میخریدم	men	amsand	من اَمَسَند
تو میخریدی	tö	atsand	تو اَتَسَند
او میخرید	aw	dysand	او اِیَسَند
ما میخریدیم	e:ma	amänsand	ما اَمَانَسَند
شما میخریدید	e:wa	atänsand	شما اَتَانَسَند
آنها میخریدند	awän	ayänsand	آنها اِیَانَسَند

یا (نیان niyän) یعنی کاشتن.

من میکاشتم	men	amniyä	من اَم نِیا
------------	-----	--------	-------------

تو میکاشتی	tō	atniyā	تو اُت نیا
او میکاشت	aw	ayniyā	اُو اُی نیا
ما میکاشتیم	e:ma	amānniyā	راُمه اُمان نیا
شما میکاشتید	e:wa	atānniyā	راوَه اُتان نیا
آنها میکاشتند	awān	ayānniyā	اُوآن اُیان نیا

منفی- با اضافه کردن علامت نفی (نا ^una) به اول پیشوند و مفتوح کردن آخرین حرف پیشوند فعل منفی ساخته میشود .. مانند (اُو نِیْسند nddw neyasa) یعنی او نمیخرد و (راوَه نُتانه سَند e:wa natānasand) یعنی شما نمیخریدید .

۲- فعل لازم ، در صورتیکه در حالت مصدری به (بین in) ختم شده باشد در زمان ماضی استمراری پیشوند (اُ a) در مفرد و جمع و به ترتیب پسوندهای زیر دریافت میدارید . اول شخص مفرد (م m) ، دوم شخص مفرد (ت t) و سوم شخص مفرد به ریشه فعل (قسمت بدون تغییر) حرفی در انتها اضافه نمیگردد . سه صیغه جمع پس از اضافه کردن پیشوند به همان صورت مصدری نوشته میشوند مانند: (گنین ganin) یعنی گندیدن .

من میگندیدم	men	aganim	من اُگنیم
تو میگندیدی	tō	aganit	تو اُگیت
او میگندید	aw	agani	اُو اُگنی
ما می گندیدیم	e:ma	aganin	راُمه اُگنین
شما می گندیدید	e:wa	aganin	راوَه اُگنین
آنها می گندیدند	awān	aganin	اُوآن اُگنین

منفی - با اضافه کردن (نا nā) یا (نا na) فعل به حالت منفی در می آید .
مانند (تو ناگنیت tö nāganit) یعنی تو نمی گندیدی و (من نا اگنیم
men naaganim) یعنی من نمیگندیدم .

فعل لازم در صورتیکه به (ن ماقبل مکسور en) ختم شده باشد مانند سایر
افعال برای تبدیل به زمان ماضی استمراری پیشوند (ا a) به آن اضافه شده و
پسوندهای (م ماقبل مکسور em) به اول شخص مفرد و (ی i) به دوم شخص مفرد
و (ین in) به اول شخص جمع و (ن ماقبل مکسور en) به شخص دوم و سوم جمع
اضافه میگردد .

مثال : (خفتن xaften) یعنی خوابیدن .

من میخوابیدم	men	axaftem	من اُخفتم
تو میخوابیدی	tö	axafti	تو اُخفتی
او میخوابید	aw	axaft	او اُخفت
ما میخوابیدیم	e:ma	axaftin	ما اُخفتین
شما میخوابیدید	e:wa	axaften	شما اُخفتن
آنها میخوابیدند	awän	axaften	آنها اُخفتن

منفی - با اضافه کردن (نا na) به اول هریک از صیغه های فعل میتوان آنرا بصورت
منفی درآورد . مانند (ما ناخفتین e:ma näxaftin) یعنی ما
نمیخوابیدیم .

در صورتیکه فعل در حالت مصدری به (یان yān) ختم شود (م m) و (یت it)
به شخص اول و دوم مفرد و (ین in) به شخص اول جمع و (ن n) بدو شخص

دیگر جمع به صورت پسوند اضافه می‌گردد درحالی‌که فعل در هر شش صیغه قبلا (ا) به صورت پیشوند دریافت داشته است . مانند (گریان garryän)

یعنی گردیدن و گردش کردن و جستجو کردن .

من می‌گردیدم	men	agarryām	من اُگرایم
تو می‌گردیدی	tō	agarryäyt	تو اُگریایت
او می‌گردید	aw	agarryä	او اُگریا
ما می‌گردیدیم	e:ma	agarryäyn	ما اُگریاین
شما می‌گردیدید	e:wa	agarryän	شما اُگریان
آنها می‌گردیدند	awän	agarryän	آنها اُگریان

- مصدر (چون čun) یعنی رفتن مانند افعال لازم مختوم به (ین in) به حالت ماضی استمراری درمی آید .

- مصدر (بون bun) یعنی بودن و داشتن در ماضی ساده و استمراری بصورت مشابه صرف می‌شود و هر دو حالت شبیه (چون cun) در زمان ماضی ساده است
مثال :

(من دو که ساعت هفت لینا بوم^{bum} at haft leyne, men dwe:ka sä,at haft leyne)
یعنی من دیشب ساعت هفت آنجا بودم (ماضی مطلق) .

(من یکساله بو که ده ساعته لینا بوم men yak säle: bu ke: at haft leyne, ge: šawe: sa,at haft leyne)
یعنی من یکساله بودم که هر شب ساعت هفت آنجا بودم (می بودم ، ماضی استمراری) ، (بوم bum) یعنی بودم در هر دو حالت ماضی مشابه است .

— فعلهائی که در حالت مصدری به (ن ماقبل مکسور en) ختم می شوند چون باستانی (dän دان) به معنی دادن، بقید دارای (ن ماقبل مکسور en) هم در انتهای مصدر میآید و برای اختصار از آن صرف نظر شده و فقط تا (ن ماقبل مکسور en) خوانده و نوشته میشود لذا مانند افعال مختوم به (ن ماقبل مکسور en) صرف میشوند. مانند: (کشان ke:šän) که در حقیقت (کشان ke:šänen) بوده است یعنی کشیدن.

فعل (دان dän) یعنی دادن مانند (نیان niyän) یعنی کاشتن که قبلاً درباره آن گفته شده است صرف میشود.

ماضی بعید:

ماضی بعید — اگر زمان وقوع حادثه ای در گذشته دور باشد دلالت بر ماضی بعید میکند.

۱— فعلهائی که در حالت مصدری به (ن ماقبل مکسور en) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول نیازمند باشند به ترتیب در شخص اول و دوم و سوم مفرد (وم um) و (وت ut) و (وی wi) و شخص اول و دوم و سوم جمع (ومان umän) و (وتان utän) و (ویان uyän) به صورت پسوند دریافت میدارند مانند (فرتن froten) یعنی فروختن.

من فرتوم	men	frotum	من فروخته بودم
تو فرتوت	tö	frotut	تو فروخته بودی
او فرتوی	aw	frotwi	او فروخته بود
ما فرتومان	e:ma	frotumän	ما فروخته بودیم

راوه	فرتوتان	e:wa	frotutän	شما فروخته بودید
راوان	فرتویان	awän	frotuyän	آنها فروخته بودند
منفی - مانند تمام افعال متعدی با اضافه کردن پیشوندهای (نم nam) و (نت nat) و (نی ney) به سه شخص مفرد و (نمان namän) و (نتان natän) و (نیان neyan) به سه شخص جمع درست میشود.				
من	کمفرتو	men	namfrotu	من نفرخته بودم
تو	نتفرتو	tö	natfrotu	تو نفرخته بودی
او	نیفرتو	aw	neyfrotu	او نفرخته بود
ما	نمانفرتو	e:ma	namänfrotu	ما نفرخته بودیم
راوه	نتانفرتو	e:wa	natänfrotu	شما نفرخته بودید
راوان	نیانفرتو	awän	neyänfrotu	آنها نفرخته بودند
- افعال لازم مانند (خفتن xaften) یعنی خوابیدن به صورت زیر صرف میشوند:				

من	خفتوم	men	xaftum	من خوابیده بودم
تو	خفتوی	tö	xaftwi	تو خوابیده بودی
او	خفتو	aw	xaftu	او خوابیده بود
ما	خفتوین	e:ma	xaftwin	ما خوابیده بودیم
راوه	خفتون	e:wa	xaftun	شما خوابیده بودید
راوان	خفتون	awän	xaftun	آنها خوابیده بودند
به ترتیب فوق (وم um) و (وی wi) باول شخص و دوم شخص مفرد و (و u) به				

سوم شخص و (وین win) به اول شخص جمع و (ون wen) به دومین و سومین شخص جمع اضافه میگردد.

۲- فعلهایی که به (ین in) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول احتیاج نداشته

باشند به ترتیب (وم wem) ، (ویت wit) ، (و w) و (وین win)

(ون wen) ، (ون wen) بصورت پسوند قبول میکنند . مانند (کنین

kanin یعنی خندیدن .

من	کنیوم	kaniwem	men	من خندیده بودم
تو	کنیویت	kaniwit	tö	تو خندیده بودی
او	کنیو	kaniw	aw	او خندیده بود
ما	کنیوین	kaniwin	e:ma	ما خندیده بودیم
او	کنیون	kaniwen	e:wa	شما خندیده بودید
آوان	کنیون	kaniwen	awän	آنها خندیده بودند

و اگر فعل متعددی باشد به ترتیب از اول شخص مفرد تا آخرین شخص جمع (وم wem)

(وت wet) ، (وی wi) و (ومان wman) ، (وتان wtän) ، (ویان

wyän) به صورت پسوند دریافت میدارند . مانند (شناسین šenäsın)

یعنی شناختن .

من	شناسیوم	šenasiwem	men	من شناخته بودم
تو	شناسیوت	šenasiwet	tö	تو شناخته بودی
او	شناسیوی	šenasiwi	aw	او شناخته بود
ما	شناسیومان	šenasiwman	e:ma	ما شناخته بودیم

راوه شناسیوتان e:wa šenäsıwtän شما شناخته بودید
 آوان شناسیویان awan šenäsıwyän آنها شناخته بودند
 - فعلهایی که در حالت مصدری به (یان yān) یا (ن n) ختم میشوند مانند
 فعلهای لازم که در حالت مصدری به (ین in) تمام شده اند و فعلهای ختم شده به
 (آن ān) مانند فعلهای متعدی که در حالت مصدری به (ین in) تمام شده اند
 به صورت ماضی بعید درمی آیند .

مضارع اخباری .

مضارع اخباری دلالت دارد بر وقوع حادثه ای در زمان حال یا آینده .
 علامت مضارع اخباری (اُ a) است که به آغاز فعل افزوده میشود و پسوندهایی به
 شرح زیر در انتهای فعل . شخص اول مفرد (م ماقبل مکسور em) ، شخص دوم (یت it)
 ، شخص سوم مفرد (ه e:) و شخص اول جمع (ین in) ، شخص دوم
 و سوم جمع (ن ماقبل مکسور en) . مثال : (کنین kanin) یعنی خندیدن .

من میخندم	men	akanem	من اُکنم
تو میخندی	tō	akanit	تو اُکنیت
او میخندد	aw	akane:	او اُکه
ما میخندیم	e:ma	akanin	ما اُکنین
شما میخندید	e:wa	akanen	راوه اُکن
آنها میخندند	awän	akanen	آوان اُکن

امادر قالب فوق تغییرات چنان زیاد است که هریک از فعلها جداگانه باید مورد
 بررسی ودقت قرار گیرد شاید که قاعده ای بدست آید . این تغییرات اغلب در ریشم

فعل نیز هست و روی یک واکهء ویژه نیست که بتوان آنرا زیر یک قاعده درآورد. در اینجا تعدادی از این افعال بعنوان نمونه و مثال آورده میشود.

(بون bun) یعنی بودن، داشتن، شدن.

من هستم	men	ham	من هَم (هام)
تو هستی	tö	hey t	تو هیت
او هست	aw	has	او هَس
ما هستیم	e:ma	heyn	ما هین
شما هستید	e:wa	han	شما هَن
آنها هستند	awän	han	آنها هَن

(دان dän) یعنی دادن.

این فعل در اصل (دادن dädän) است که (د d) دوم آن بیخ حلقی و به صورت یک الف کشیده اجرا میشود.

من میدهم	men	ad _{am}	من آم
تو میدهی	tö	adey t	تو ایت
او میدهد	aw	adät	او ات
ما میدهیم	e:ma	äd _{eyn}	ما آیین
شما میدهید	e:wa	äd _{an}	شما آن
آنها میدهند	awän	äd _{an}	آنها آن

(کردن kerdən) یعنی کردن

من میکنم	men	akam	من اکَم
----------	-----	------	---------

تو میکنی	tö	akey	تو اکی
او میکند	aw	akä - t	او آکا - ت
ما میکنیم	e:ma	akeyn	ما اَکین
شما میکنید	e:wa	akan	شما اَکَن
آنها میکنند	awän	akan	آنها اَکَن

(خستن xesten) یعنی انداختن .

من می اندازم	یعنی men	axam	من اَخم
تو می اندازی	tö	axey - t	تو اَخی - ت
او می اندازد	aw	axä	او اَخا
ما می اندازیم	e:ma	axeyn	ما اَخین
شما می اندازید	e:wa	axan	شما اَخَن
آنها می اندازند	awän	axan	آنها اَخَن

(بردن berden) یعنی بردن

من میبرم	یعنی: men	awam	من اَوم
تو میبری	tö	away - t	تو اَوی
او میبرد	aw	awa - t	او اَوات
ما میبریم	e:ma	awayn	ما اَوین
شما میبرید	e:wa	awan	شما اَون
آنها میبرند	awän	awan	آنها اَون

(روین rwin) یعنی رفتن

من اَروم	arrom	men	یعنی: من میروم
تو اَروی	arrwi	tö	تو میروی
او اَروه	arrwe:	aw	او میرود
ما اَروین	arrwin	e:ma	ما میرویم
آنها اَرِن	arron	e:wa	شما میروید
آنها اَرِن	arron	aw'an	آنها میروند

هنوز ده نشینان اطراف سندنجد دو صیغه دوم و سوم جمع این فعل را با (arren اَرِن) که درست تر است ادا میکنند که البته مورد تمسخر قرار میگیرند.

تغییرات در ریشه فعل گاهی در یک وزمانی دو واکه و گهگاه چنان است که تمام حروف یک فعل تغییری یابد. مانند:

الف - (خوندن، خونن xwanden) یعنی خواندن که (فتحه a) بعد از (و w) تبدیل به (کسره کشیده e:) میشود.

من اَخونم	axwe:nem	men	یعنی: من میخوانم
تو اَخونی	axwe:ni	tö	تو میخوانی

همچنین است (فتحه a) بعد از (س s) که بدل به (کسره کشیده e:) میشود در فعل (سندن sanden) یعنی خریدن.

او اَوسینه	ase:ne:	aw	یعنی: او میخرد
ما اَوسنین	ase:nin	e:ma	ما میخریم

ب - (ت +) در فعل (فرتن تبدیل به "ش" s) میشود.

من اَفرشم	afrosem	men	من میفروشم
-----------	---------	-----	------------

توافرشی tō afroši تومفروشی

پ - (کسره e) بعد از (ش š) در فعل (وُشانن wašānen) یعنی کشتن و

زدن یا حذف میشود یا بدل به (کسره کشیده e:) میگردد.

من اوْشتم men awašnem یعنی: من میگارم

من اوْشتم " men awaše:nem

ت - در (هناردن hanarden) یعنی فرستادن دو تغییر در ریشه به وجود

می آید. یکی (ه h) یا حرف اول حذف میشود دوم (ا a) مبدل به (کسره

کشیده e:) میشود.

را ما اُترین e:ma ane:rin یعنی: ما میفرستیم

را و اُترین e:wa ane:ren شما میفرستید

ج - حرف (ب b) در فعل (بستن basten) یعنی بستن تبدیل به (و

w) میشود و واکه (ت t) از میان میرود. همچنین است در فعل (بردن berden)

یعنی بردن که شرح آن گذشته است.

او اُوسه aw awase: یعنی: او می بندد

او ان اُوسن awān awasen آنها می بندند

چ - امارا فعالی مانند (وتن weten) یعنی گفتن و (هشتن he:šten)

یعنی بجای گذاشتن، اصولاً شکل فعل تغییر میکند.

من اُیزم men ayžem یعنی: من میگویم

تو اُیزی tō ayži تو میگوئی

او اُیزه aw ayže: او میگوید

میگذاریم	e:ma	ay in	بامایلین
شما میگذارید	e:wa	ay en	راوهایلین
آنها میگذارند	awän	ay en	اوان ایلین

تازه (ا' a) آغاز و علامت زمان فعل در این فعل ویژه ، به (ته: te +) بدل میشود
و میگویند (تلم te:|em) یعنی میگذارم یا (تلن te:|en) یعنی میگذارند.

مضارع التزامی .

مضارع التزامی دلالت دارد بر انجام کاری در حال یا آینده تحت شرائطی .
مضارع التزامی در زبان کردی سنندجی مانند مضارع اخباری است با این تفاوت که
بجای پیشوند (ا' a) (ب مکسور be) گذاشته میشود . مانند (کنین kanin)
یعنی خندیدن .

من بکنم	men	·bekanem	یعنی : من بخندم
تو بکنی	tö	bekani	تو بخندی
او بکنه (ت)	aw	bekane:-t	او بخندد
ما بکنین	e:ma	bekanin	ما بخندیم
شما بکنن	e:wa	bekanen	شما بخندید
اوان بکنن	awän	bekanen	آنها بخندند

— کلیه تغییراتی که هنگام صرف افعال بی قاعده در زمان مضارع اخباری به وجود
می آید در اینجا نیز پیدامیشود . ضمناً " فعلهائی هستند که تغییرات آن ها مطابق
مضارع اخباری نیست . مانند (بون bun) یعنی بودن .

من باشم	men	bwem	بوم	من
تو باشی	+ö	bwi	بوی (ت)	تو
او باشد	aw	bwe:	بوه (ت)	او
ما باشیم	e:ma	bwin	بوین	ما
شما باشید	e:wa	bwen	بون	شما
آنها باشند	awän	bwen	بون	آنها

امر.

فعل امر دلالت دارد بر دستور انجام کاری. علامت امر در زبان کردی سنندجی (be) در حالت مثبت و (ma) در حالت منفی است. مانند: (بخوه bexwa) یعنی بخور (مُخوه maxwa) یعنی نخور. گاهی دستور بدون اضافه کردن پیشوندهای نامبرده صادر میگردد. مانند: (دانشه däniša) یعنی بنشین از فعل (دانشتن däništen) یعنی نشستن و (هلسه ha|sa) یعنی برخیز از فعل (هلسان ha|sän).

ضمیر

ضمیر کلمه ایست که جای اسم را میگیرد.

ضمایر یا متصل هستند یا منفصل، یا فاعلی هستند یا مفعولی. از ضمایر یکی نیز ضمیر اشاره است. ضمیر منفصل که فاعلی و مفعولی نیز میباشد عبارتند از:

من	men	یعنی: من
تو	+ö	تو

او	aw	اَو
ما	e:ma	رَامَه
شما	e:wa	رَاوَه
آنها	awän	اَوَان

ضمایر فوق قبل از اجرای صیغه فعل بطور جداگانه گفته میشوند .

ضمیرهای متصل که ممکن است فاعلی یا مفعولی باشند متغیرو به قرار زیر هستند .

m	۴
+ - i	ت - ی
i	ی - ا
män - nin - in	مان - نین - ین
tän - nen - n	تان - نن - ن
yän - nen - n	یان - نن - ن

ضمایر فوق بعد از اجرای فعل به طور متصل با آن می آیند .

ضمیرهای :

em	ام
et	ات
ey	رای
amän	آمان
atän	آتان
ayän	آیان

ضمایری هستند که با افعال متعدی بکار میروند و گرچه برابر توضیحاتی که قبلاً داده شد ضمایر مفعولی میباشند اما متغیر بوده و به تبع جمله و موضوع فرق میکنند.

ضمیر اشاره در زبان کردی سندی (am: اَم) برای اشاره به نزدیک و (awā: اَوَا) برای اشاره به دور به کار برده میشود. (ama: اَمَه) و (awa: اَوَه) حالت تصغیر این دو ضمیر است که هر دو مفرد میباشند.

(amān: اَمَان) جهت اشاره به جمع نزدیک و (awān: اَوَان) جهت اشاره به جمع دور گفته میشود. (amāna: اَمَانَه) و (awāna: اَوَانَه) نیز بهمان منظور تصغیر بکار برده میشود.

قید

قید کلمه ایست که حالت فعل را بیان کند. قید بر چند قسم است:

قید زمان — مانند همیشه (hamiṣa: هَمِيشَه) یعنی همیشه (de:n: دِر) یعنی دیره (zu: زو) یعنی زود.

قید مکان — مانند (e:gra: زَاگرَه) یعنی اینجا (ey.na: اَينَه) یعنی آنجا.

قید جهت — قید جهت خود دو نوع است :

(ha:l: هَل) جهت رو به بالا. مانند (ha:l+liṣānen: هَلتِلِيشَانِن) یعنی پاره کردن و جر دادن رو به بالا.

(dā: دَا) جهت رو به پایین. مانند (dā+liṣānen: دَاتِلِيشَانِن) پاره کردن و جر دادن رو به پایین.

قید مقدار — مانند (kam: کَم) یعنی کم و (fra: فِرَد) یعنی زیاد.

قید تشبیه - مانند: (وک wak) یعنی مانند.

قید تردید - مانند: (شاید šayad) یعنی شاید.

قید اکید - مانند: (البته al-bata) یعنی البته.

قید ترتیب - مانند: (دسته‌دسته basa dasa) یعنی دسته‌دسته.

قید تنفی - مانند: (هرگز hangiz) یعنی هرگز.